

دستمزدها، سود و سرمایه گذاری در یونان

مایکل بورک

مقدمه مترجم: بحران بدهی یونان و به طور کلی اروپا، تنها انعکاسی از بحران همه جانبه سرمایه داری در کلیت آن است، و به همین دلیل حل آن ناگزیر از مدار تعیین تکلیف نهایی با خود چهارچوب سرمایه داری می گذرد. نمونه یونان و تلاش های بی حاصل ۵ ماهه جریان چپ رفرمیست «سیریزا» برای حل گوشه ای از این بحران در چهارچوب سرمایه داری و آن هم از طریق مذاکره، توهم به رهبران سرمایه داری جهانی و به زعم خود استفاده از شکاف های موجود میان قدرت های امپریالیستی، این گفته را اثبات می کند که در عصر اضمحلال امپریالیسم، کوچک ترین پیشروی جنبش ناگزیر به درگیری مستقیم با سرمایه داری و امپریالیسم و عبور از آن است. دست کم این حقیقت نیز برای چندمین بار آشکار می شود که شرایط عینی آماده برای انقلاب، یا موقعیت پیشا-انقلابی، خود به خود و بدون برخورداری از یک ابزار رهبری کننده طبقه کارگر به سوی تسخیر قدرت سیاسی، هرگز به انقلاب منتهی نمی شود؛ ایجاد این خط رهبری انقلابی درست همان وظیفه ای است که دهه ها به تعویق افتاده، و از همین رو جنبش کارگری در سطح جهانی عقب نشینی های فراوانی را تجربه کرده است. بنا بر تنها تجربه موفق انقلاب سوسیالیستی ۱۹۱۷، این ارگان سازمانده چیزی جز حزب پیشتاز انقلابی نیست، و مشخصاً در غیاب همین عامل اساسی هر بار فرصت های انقلابی نابود می شود و در عوض مدتی به سرخوردگی و گردش به راست در جامعه کمک می کند. در شرایط خاصی مانند یونان، و با اتکا به تجربه تاریخی جنبش کارگری و کمونیستی، برای پُر کردن فاصله بین وضعیت موجود با انقلاب سوسیالیستی یا به بیان دیگر ایجاد حلقه واسط میان این دو، به یک «برنامه» نیاز است، و در این برنامه باید بر مطالباتی تکیه کرد که بتواند از سطح آگاهی موجود آغاز کند و هر بار سطح این آگاهی را از طریق ایجاد تقابل با سرمایه داری به انقلاب نزدیک تر سازد. عملاً تحقق مطالبه ای که وظیفه این انتقال را بر عهده دارد از سرنگونی مستقیم خود نظام سرمایه داری دشوارتر است، و درست به همین دلیل خصلت انتقالی دارد. این نقطه مقابل برنامه تاریخاً ورشکسته «حداقلی» و «حداکثری» است که قرار است در فاز اول با تحقق مطالبات «حداقلی» و «رفرم» هایی شرایط را برای تحقق آتی مطالبات سوسیالیستی در فاز دوم فراهم آورد. در وضعیت خاص یونان، یکی از این مطالبات بسیار کلیدی، اعمال کنترل بر سرمایه، و ملی سازی بانک ها و صنایع مهم و استراتژیک (به خصوص کشتی رانی) تحت کنترل و مدیریت دمکراتیک کارگران است. مطلب حاضر نشان می دهد که چگونه یونان در میان کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی بالاترین سهم سود از درآمد ملی، و بالعکس پایین ترین میزان سرمایه گذاری را دارد. این شکاف

وسیع، نشان دهنده حجم عظیمی از منابع مالی سرمایه داران است که سرمایه گذاری نشده و در عوض در گوشه ای تلنبار گردیده است. در عوض این منابع به سرعت در حال خروج از کشور و انتقال به بانک های امن آن سوی آب ها است. به عنوان مثال داده ها نشان می دهد که سال ۲۰۱۰، یعنی زمانی که بحران مالی یونان در حال رخ نشان دادن بود، حساب های سپرده نظام بانکداری این کشور به کم تر از ۳۰۰ میلیارد یورو می رسید. طی پنج سال گذشته، این حساب ها به پایین تر از ۱۷۵ میلیارد یورو سقوط کرده اند. بخش از بورژوازی یونان این محاسبه را می کند که در صورت خروج یونان از منطقه یورو، بازگشت این کشور به واحد پول ملی «دراخما» و سقوط ارزش آن در برابر ارز یورو، خواهد توانست مجدداً منابع مالی خود را برای خرید املاک، کارخانه ها، شرکت ها و غیره به یونان سرازیر کند. در شرایط وخیم معیشتی کارگران یونان، هرگونه سرمایه گذاری عمومی برای بهبود وضعیت آنان (مثلاً در حوزه های بهداشت و درمان، آموزش، بیمه بیکاری و نظایر این ها)، نیازمند بهره برداری از همین منابع بلااستفاده است، و این نیز خود نیازمند اعمال کنترل بر جریان سرمایه، مصادره، و ملی سازی نظام بانکداری است. شیوه اخیر حکومت سیریزا برای کنترل سرمایه از طریق تعطیلی یک هفته ای بانک ها و محدود نمودن میزان برداشت از دستگاه های خودپرداز تا سقط ۶۰ یورو، یک شیادی است که اتفاقاً فشار را متوجه خانواده های کارگری می کند. چرا که سرمایه داران انواع مکانیسم ها و روش های خروج سرمایه های کلان را در اختیار دارند. به علاوه، ملی کردن بانک ها با حذف قید «نظارت دمکراتیک کارگران» نیز خود یکی از ترفندهای سرمایه داری برای اجتماعی کردن ضرر و زیان ورشکستگی بانک ها است. به هر حال مطلب حاضر حاوی داده های مفیدی است که اهمیت این مطالبه انتقالی و پایه عینی آن در شرایط فعلی یونان را نشان می دهد.

آرام نوبخت، ۱۰ تیرماه ۱۳۹۴

دستمزدها، سود و سرمایه گذاری در یونان

مایکل بورک

صندوق بین المللی پول، مسیر توافق با حکومت یونان را مسدود کرده و هنوز برای این نهاد روشن نیست که آیا امکان حصول توافقی وجود دارد یا خیر. توافق پیشین که صندوق بین المللی پول رد کرد، خود بسیار دشوار بود. اما این نهاد در صدد است که بار پرداخت بهای بحران را تا حد امکان از مالیات بر شرکت ها و صاحبان درآمدهای بالا به سوی کاهش هزینه های تأمین اجتماعی سوق دهد. این بار، غیر قابل تحمل است؛ چرا که خالص میانه درآمد خانوارها، هم اکنون پایین تر از ۸ هزار یورو در سال قرار دارد. خانوارهای بسیاری با چندین عضو و فاقد شغل هستند که تنها با اتکا به حقوق مستمری و بازنشستگی دولتی و بخش عمومی قادر به حفظ معیشت خود هستند.

صندوق بین المللی پول ادعا می کند که وضع مالیات بر شرکت ها، رشد اقتصادی را مختل می کند، چرا که برای تأمین مالی سرمایه گذاری، به سود شرکت ها نیاز است. این استدلال، پیام مهمی دارد که باید بدان پرداخت. در واقعیت امر می توان گفت که چنین استدلالی نادرست است. پس از این است که می توان راه برون رفت از بحران را نیز تشخیص داد.

به طور کلی در یک اقتصاد کالایی، سود عامل تعیین کننده نرخ رشد است. در یک اقتصاد سرمایه داری، این سود بخش خصوصی است که قسمت عمده انباشت سرمایه مولد از طریق سرمایه گذاری را تأمین می کند.

اما اگر سود به تنهایی کافی بود، در آن صورت دیگر بحرانی در یونان وجود نمی داشت. یونان بالاترین سهم سود (نسبت سود به درآمد ملی) را در میان کل کشورهای عضو «سازمان همکاری و توسعه اقتصادی» (OECD) دارد. طی آخرین داده های موجود، سهم سود در یونان، به ۵۲,۴ درصد می رسیده است. این رقم به طور قابل توجهی بالاتر از بسیاری دیگر از کشورهای عضو OECD است و درست از همین رو، سهم کار از درآمد ملی یونان نیز پایین ترین رقم در OECD را تشکیل می دهد.

جدول شماره ۱، سهم سود و سهم دستمزد را در برخی کشورهای OECD نمایش می دهد. در واقع، نسخه تجویزی صندوق بین المللی پول این است که افرادی با کمترین توان پرداخت، باید بار این بحران را به دوش بکشند.

جدول ۱. سهم سود و سهم دستمزد از درآمد ملی در برخی اقتصادهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی

	Profit share, %	Labour share, %
Greece	52.4	34.3
Germany	39.3	50.8
Ireland	50.2	41.1
Spain	43.5	47.2
Sweden	33.2	47.5
UK	37.2	50.2
US	41.4	53.9

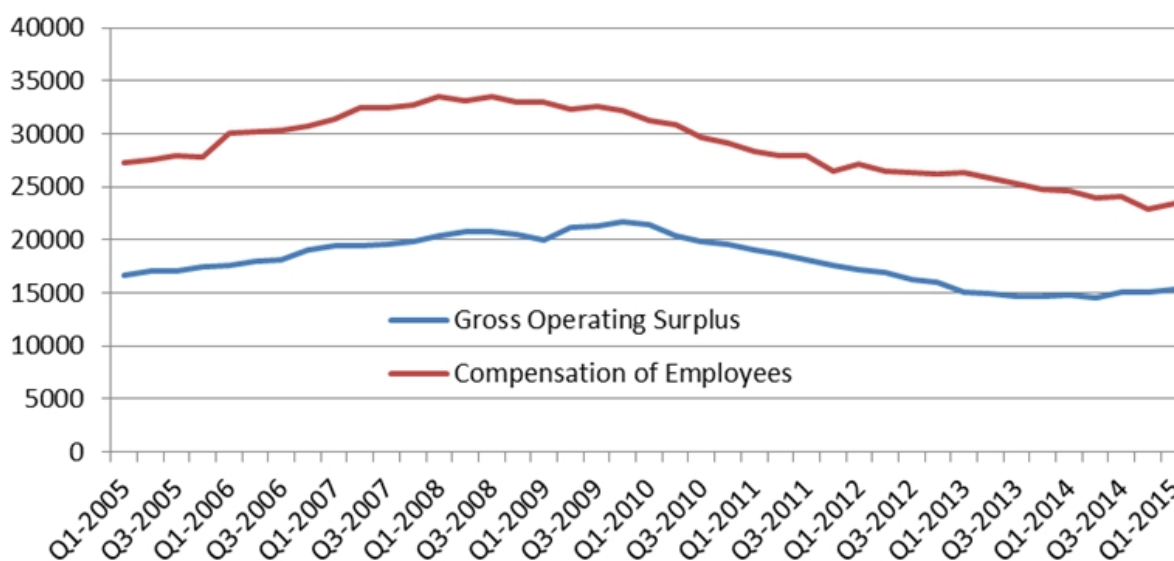
منبع: سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، بر مبنای مازاد عملیاتی ناخالص و هزینه های جبرانی کارمندان به صورت نسبتی از تولید ناخالص داخلی، داده های سه ماهه نخست ۲۰۱۵ (به دلیل حذف مالیات بر تولید، جمع ارقام دو ردیف هر کشور به ۱۰۰ درصد نمی رسد)

باید خاطر نشان کرد که کشورهای بحران زده اتحادیه اروپا به طور کلی بالاترین سطوح سهم سود را دارند، اما یونان در این مورد پیشتاز است. روند عمومی سود و دستمزد یونان در نمودار پایین نمایش داده شده است.

نمودار ۱. سود (مازاد عملیاتی ناخالص) و دستمزد (هزینه های جبرانی کارکنان) در یونان

Greece, Profits & Wages, €bn,

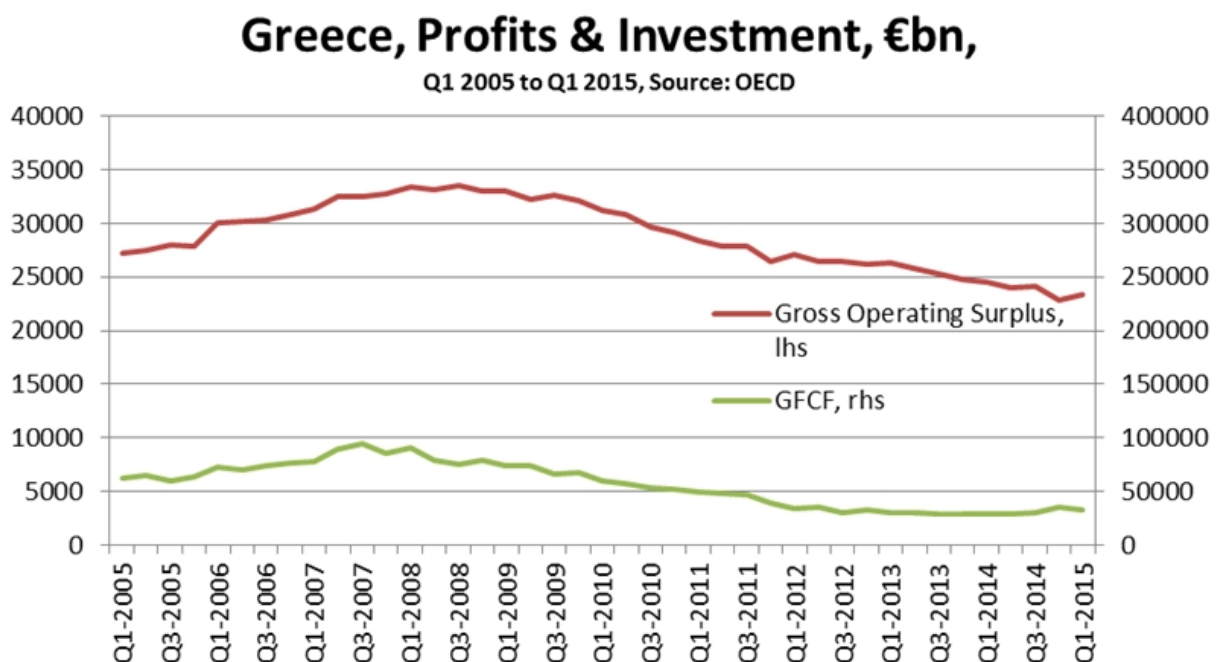
Q1 2005 to Q1 2015, Source; OECD



همچنین هنوز در یونان منابع مالی سرشاری برای سرمایه گذاری مولد در قالب سهم سود بخش شرکت ها موجود است. مسأله حساس و نیروی محرک پشت بحران های ساختاری و همین طور ادواری اقتصاد یونان، این است که شرکت های یونانی اقدام به سرمایه گذاری نمی کنند، بلکه در عوض مشغول ذخیره سرمایه هستند.

ایجاد مصونیت برای شرکت ها در برابر ریاضت اقتصادی از طریق کاستن از هزینه های تأمین اجتماعی، سرمایه گذاری مورد نیاز را محقق نخواهد کرد. به این دلیل که شرکت های یونان تمایلی به سرمایه گذاری ندارند. سطح سود در یونان، سطح سرمایه گذاری (تشکیل سرمایه ناخالص ثابت)، و همین طور شکاف میان این دو در نمودار شماره ۲ نمایش داده شده است.

نمودار ۲. سود (مازاد عملیاتی ناخالص) و تشکیل سرمایه ناخالص ثابت (GFCF)



طی یک سال اخیر، سطح سود اسمی یونان ۹۵ میلیارد یورو بود، در حالی که سطح «تشکیل سرمایه ناخالص ثابت» برای کل اقتصاد (شامل دولت و خانوارها) پایین تر از ۲۱ میلیارد یورو قرار داشت. همین سطح از سودهای سرمایه گذاری نشده است که علت اصلی بحران یونان به شمار می رود.

جدول شماره ۲ در پایین، سهم سود و نرخ سرمایه گذاری را مقایسه می کند. با استفاده از داده های OECD، می توان نشان داد که خود بخش شرکت ها دقیقاً چه نسبتی از این سرمایه گذاری را انجام می دهد.

جدول ۲. سهم سود، سهم سرمایه گذاری و سهم سودهای سرمایه گذاری نشده از درآمد ملی

	Profit share, % (a)	Investment share, Total economy, % (b)	-of which, business investment, % (c)*	Uninvested profits, share % (a minus c)
Greece	52.4	11.6	4.4	48.0
Germany	39.3	20.0	11.5	27.8
Ireland	50.2	16.4	11.4	38.8
Spain	43.5	18.9	13.5	30.0
Sweden	33.2	23.3	16.3	16.9
UK	37.2	17.2	10.0	27.2
US	41.4	18.9	10.2	31.2

منبع: سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، * سال های اخیر ۲۰۱۳ یا ۲۰۱۴

البته به غیر از سرمایه گذاری، موارد بسیاری مانند مالیات ها و پرداخت سهم کمک های اجتماعی هم از محل «مازاد عملیاتی ناخالص» پرداخت می شود، اما در مورد یونان همه این ها روی هم رفته بیش از ۵,۸ درصد از درآمد ملی را تشکیل نمی دهد. خالص پس اندازهای بخش شرکت ها بسیار وسیع تر، در سطح ۹,۲ درصد از درآمد ملی است، و علاوه بر این ۲,۹ درصد دیگر نیز بین صاحبان سهام توزیع می شود.

وضعیت یونان به معنای دقیق کلمه صرفاً موردی حاد از روند عمومی اقتصادهای غرب است که طی آن سهم سود، رو به رشد و با این حال سهم سرمایه گذاری در حال سقوط بوده است. این سطح شدیداً بالا از سودهای سرمایه گذاری نشده است که علت بحران به شمار می رود. اصولاً هیچ چیزی وجود ندارد که مانع شرکت ها برای سرمایه گذاری کل سود خود، یا حتی بیش تر از آن (به واسطه استقراض) بشود؛ این اغلب در اقتصادهایی با رشد نیرومند رخ می دهد. منتها در سازمان همکاری و توسعه اقتصاد به مثابه یک کل واحد، بخش شرکت ها مشغول ذخیره سرمایه است. یونان یک مورد افراطی است، چرا که این روال چندین دهه ادامه داشته و در طول بحران نیز بیش از پیش وخیم تر شده است.

این پس اندازها در داخل بانک های یونان نگاه داشته نمی شوند، و این خود عاملی است که در وضعیت بی ثبات و مخاطره آمیز این پس اندازها نقش دارد. داده های بانک یونان نشان می دهد که طی یک سال منتهی به آوریل ۲۰۱۵، حساب های سپرده بنگاه های یونان، ۸ میلیارد یورو (معادل با ۴,۵ درصد تولید ناخالص داخلی) سقوط کرد؛ این در حالی بود که هم سود و هم پس انداز هر دو مقادیری قابل توجه بودند. این به

معنای تاراج کشور است؛ یعنی ترکیب نرخ های بسیار بالای استثمار همراه با کمترین سرمایه گذاری و انتقال پس اندازها و سود سهام به بانک های خارجی.

دقیقاً همین منابع بلااستفاده بخش شرکت ها- به ویژه اولیگارش های یونان- است که باید مورد بهره برداری قرار داد. این صرفاً ایجاد مصونیت برای کارگران و فقرا در برابر ریاضت بیشتر- با وجود اهمیت آن- نیست. بلکه این منابع بلااستفاده را می توان برای سرمایه گذاری و بهبودی صرف کرد که اقتصاد را احیا کند. در این حالت مشخصاً به وضع مالیات بر شرکت ها نیاز است و شاید حتی اقدامات نیرومندتری نظیر ملی سازی به منظور بهره برداری از این منابع. هم چنین این ها تمهیداتی هستند که خصومت شدید نهادهای بین المللی به رهبری صندوق بین المللی پول را برمی انگیزند.

این استدلال که چنین اقدامی، سرمایه گذاری بخش شرکت ها را محدود خواهد کرد، پایه ای ندارد. سهم سرمایه گذاری بخش شرکت ها با وجود تصاحب ۵۲,۴ درصد از درآمد ملی، تنها معادل با ۴,۴ درصد است. بخش اعظم سرمایه گذاری در اقتصاد یونان از سوی خانوارها، به خصوص بر روی ساخت و تعمیر مسکن، بوده است. سرمایه گذاری شرکت ها تنها جزئی ناچیز از سودها و پس اندازهای سرمایه گذاری نشده است. این امر هم چنان منشأ بحران یونان است که نمی تواند بدون سرمایه گذاری دولتی حل شود.

۲۶ ژوئن ۲۰۱۵

<http://socialisteconomicbulletin.blogspot.com/2015/06/wages-profits-investment-in-greece.html>